



The role of interfaith dialogue in promoting Global peace

Hedayat Ahl Nobar Turkmen¹ - Mohammad Reza Dehshiri²

Abstract

Although religions have encouraged human being to establish peace and tranquility in the shadow of divine principles, wars have occurred in the world for various reasons. It should be said that despite different strategies for controlling the war, the capacity of interfaith dialogue has not been sufficiently scrutinized on. This research seeks to analyze the role of religions in the spread of global peace through a descriptive-analytical method and based on library documents. The article tries to present a conceptual model with respect to the three categories of socialization, environment and focus on politics and diplomacy. The socialization can be realized through strengthening the space of communication and dialogue, emphasizing on common points of belief, and paying attention to common horizons. The local environment should be considered by focusing on the capacities of the inhabitants of countries, paying attention to the agent along with structure, and creating a free dialogue environment. The emphasis on diplomacy and politics can be realized through paying attention to peaceful policies, confronting political extremists, confronting the politics of polarization and securitization, and paying attention to pluralism.

Keywords: Global Peace, Interfaith Dialogue, Religion

¹ Master of International Relations, South Tehran Azad University. Tehran. Iran.

Hoseintorkaman07@gmail.com

² Professor at the Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.

Mohammadreza-

dehshiri@yahoo.com



نقش گفت‌وگوی ادیان در گسترش صلح جهانی

هدایت الله نوبر ترکمن^۱ - محمدرضا دهشیری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶

چکیده

با وجود اینکه ادیان در مفاهیم دینی خود انسان را به برقراری صلح و آرامش در سایه الطاف الهی دعوت کرده‌اند اما جنگ‌ها باز به دلایل مختلف رخ داده‌اند. باید گفت علی‌رغم راهکارهای متفاوت برای کنترل جنگ توجه به ظرفیت گفت‌وگوی ادیان به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته و از همین رو، این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری شده با اسناد کتابخانه‌ای به دنبال واکاوی و بررسی نقش ادیان در گسترش صلح جهانی است. پژوهش با ارائه یک مدل مفهومی تلاش خواهد کرد تا با توجه به سه مقوله جامعه‌پذیری، توجه محیطی و انتقال به سیاست به بررسی این نقش بپردازد. بدین ترتیب جامعه‌پذیری از طریق تقویت فضای ارتباطات و انجام گفت‌وگو، تأکید بر نقاط مشترک اعتقادی، توجه به افق‌های مشترک، توجه به محیطی محلی از طریق توجه به ظرفیت‌های ساکنان کشورها، توجه به کارگزار در کنار ساختار، ایجاد محیط گفت‌وگوی آزاد و انتقال به سیاست از طریق توجه به سیاست‌های صلح‌آمیز، مقابله با افراطیون سیاسی، مقابله با سیاست دوقطبی سازی و امنیتی کردن، توجه به تکثرگرایی قابل توجه است.

واژگان کلیدی: صلح جهانی، گفت‌وگو ادیان، دین، جنگ

^۱ کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران. (نویسنده مسئول)

Hoseintorkaman07@gmail.com

^۲ استاد تمام دانشکده وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

مقدمه

نقش ادیان در گسترش صلح و امنیت جوامع بشری و جلوگیری از گسترش جنگ و خشونت میان آنها یکی از موضوعات بسیار مهم در حوزه روابط بین‌الملل و ادیان است. دین مجموعه‌ای از نظام‌های فرهنگی، اعتقادی و جهان‌بینی‌هایی است که با ایجاد نمادهایی، انسان را به ارزش‌های روحانی و گاه به ارزش‌های معنوی ارتباط می‌دهد. بیشتر ادیان با شرح روایت، الگوها، سنن و تاریخ‌های مقدسشان قصد دارند که به زندگی معنا دهند یا به هستی‌شناسی پردازند. آنها مایل‌اند تا اصولی اخلاقی، دینی یا سبک زندگی بهتری از ایده‌هایشان را درباره ماهیت انسان و جهان هستی ارائه دهند. واژه دین با ایمان یا نظام اعتقادی فردی یکی نیست و به عبارتی دین با باور شخصی که جنبه عمومی دارد متفاوت است. در نگاهی کلی دین نقش محوری در زندگی بشر از پیدایش تمدن تا به امروز داشته است. در این میان نبود یا کاستی‌هایی که به ایجاد یک بستر گفت‌وگو برای خنثی‌سازی جذب افراد مستعد پیوستن به گروه‌های تروریستی منجر شود یا از به وجود آمدن انگاره‌های منفی نسبت به سایرین ممانعت کند موجب کاهش اعتماد، روابط دوستانه، همکاری و حتی تأثیرگذاری آن بر سیاست‌ها شده است که مانعی بر اقدامات سازنده در جهت صلح داخلی و بین‌المللی شده است. از همین رو، این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری شده با اسناد کتابخانه‌ای به دنبال واکاوی و بررسی نقش ادیان در گسترش صلح جهانی است. پژوهش با ارائه یک مدل مفهومی تلاش خواهد کرد تا با توجه به سه مقوله جامعه‌پذیری، توجه محیطی و انتقال به سیاست به بررسی این نقش پردازد. بدین ترتیب جامعه‌پذیری از طریق تقویت فضای ارتباطات و انجام گفت‌وگو، تأکید بر نقاط مشترک اعتقادی، توجه به افق‌های مشترک، توجه به محیطی محلی از طریق توجه به ظرفیت‌های ساکنان کشورها، توجه به کارگزار در کنار ساختار، ایجاد محیط گفت‌وگوی آزاد و انتقال به سیاست از طریق توجه به سیاست‌های صلح‌آمیز، مقابله با

افراطیون سیاسی، مقابله باسیاست دوقطبی سازی و امنیتی کردن، توجه به تکثرگرایی قابل توجه است.

چارچوب مفهومی

اسکات توماس در تلاش برای جمع‌بندی دیدگاه‌ها در مورد نقش دین در سیاست بین‌المللی، معتقد است که دانشوران روابط بین‌الملل حداقل از هفت منظر و موضع متفاوت به تحلیل جایگاه دین در روابط بین‌الملل معاصر پرداخته‌اند: دین به‌مثابه شکلی از ایدئولوژیک، شکلی از هویت، نظام باورهای فراملی، شکلی از قدرت نرم، بازیگران فراملی، تمدن یا عرصه فرهنگ و درنهایت دین به‌مثابه جوامع شناختی، هفت رهیافتی است که به گفته توماس، نظریه‌پردازان از منظر آن به موضوع نسبت دین و روابط بین‌الملل ورود کرده‌اند (هادیان و شوری، ۱۳۹۶: ۲۱)؛ بنابراین می‌توان گفت دین از زوایای مختلفی می‌تواند بر تئوری روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد. یکی از موضوعات مهمی که پرداختن به آن در تئوری روابط بین‌الملل ضرورت دارد رابطه بین دین و مسئله صلح و امنیت بین‌الملل است. به نظر می‌رسد در نظریه‌های رایج غربی مفروضه جاافتاده‌ای وجود دارد که بر اساس آن دین و مذهب عامل خشونت و نزاع است. این مفروضه در به حاشیه کشیده شدن جایگاه دین در تئوری روابط بین‌الملل نقش بسیار مهمی داشته است. در روابط بین‌الملل امروز نه تنها این مفروضه با چالش‌های جدی مواجه است، بلکه فرضیه دین به‌مثابه عامل تفاهم و صلح میان ملت‌ها هواداران بسیاری یافته است. گروهی براین نظرند که ارتباط مشخصی بین دین و جنگ یا حتی صلح وجود ندارد. این امکان وجود دارد که از ظرفیت‌های دین هم برای جنگ و هم برای صلح استفاده کرد. در دوره جنگ سرد بسیاری محققان معتقد بودند که دین می‌تواند نقش سازنده‌ای در تأمین صلح و ثبات بین‌المللی بازی کند. در دهه‌های اخیر و به‌تبع توسعه دین‌گرایی در گستره جهانی به موازات بروز نگرانی در مورد آینده صلح و امنیت جهانی گام‌های قابل توجهی به‌منظور استفاده از ظرفیت‌های ادیان برای

تحکیم تفاهم و صلح برداشته شده و بسیاری امیدوارند که این روند به تأمین صلح و امنیت بین الملل کمک کند (قنبر لو، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۱).

به اعتقاد سنت گرایان، دین دو جنبه دارد؛ اول، جنبه باطنی (ایزوتریسم) یا همان طریقت و دوم، جنبه ظاهری (اگزوتریسم) یا شریعت. سنت گرایان معتقدند که بعد درونی و باطنی ادیان، واحد است، ولی بعد ظاهری آن‌ها که شریعت است، مختلف است. به عبارت دیگر، ادیان در روح اصلی، وحدت و در فرم و شکل اختلاف دارند. از این نباید گذشت که سنت گرایان نه تنها اهمیت ظاهر (شریعت) را نفی نمی کنند بلکه بر آن تأکید می ورزند، زیرا به اعتقاد آن‌ها، تنها بر مبنای صورت‌هاست که می توان از مرتبه صوری فراتر رفت (رضایی، ۱۳۹۷: ۸۴). دیدگاه شهید مطهری نیز بیانگر آن است که پیامبران الهی دارای یک مکتب و تز بوده اند. ایشان با استناد به آیه «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مَنَاجَا» (مائده: ۴۸). اختلاف انبیا را در شریعت‌ها و قوانین دانسته که در عین اختلاف، مکمل و متمم یکدیگر می باشند (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۴)؛ بنابراین وحدت متعالی ادیان، مرتبط به مقام حقیقت ادیان است، نه دین تاریخی‌ای که در صور و مناسک و عبادات مختلف، تجلی یافته است. حقیقت واحد، بسته به شرایط اجتماعی و زیستی جوامع مختلف، به اشکال مختلفی تجلی پیدا می کند و به تعبیر شووان، چون انسان‌ها، زبان و قومیت یکسانی ندارند، خداوند با هر قومی به زبان خودش سخن می گوید. بدین ترتیب منظومه هستی‌شناسی دینی بدین قرار است که ادیان تاریخی، جلوه یا صورت توسعه یافته تاریخی حقایق ادیان هستند که در مرتبه‌ای بالاتر از ادیان تاریخی قرار دارند و به نوعی به ازای دین مسیحی تاریخی، یک حقیقت دینی مسیحی داریم و به ازای دین تاریخی اسلام، یک حقیقت دینی اسلام داریم و ... ولی همین حقایق ادیانی که در آن مرحله و مقام، گرد هم آمده اند، خود تجلی یک امر متعالی و یک حقیقت متعالی دینی دیگر هستند که آن حقیقت، فقط واحد است و بس. هیچ تکراری در آن راه ندارد (توسلی، ۱۳۹۵: ۶۶-۶۵). از همین رو بستری گفت و گوی ادیان

فراهم می‌شود. «دو پویی^۱»، چهارپایه‌ی الهیاتی برای گفت‌وگوی ادیان را چنین برشمرده است: نخست آنکه گفت‌وگوی ادیان مبتنی بر این باور است که نوع بشر از منشأ مشترکی برخوردارند؛ انسان‌ها جملگی از ریشه‌ی واحدی منشعب شده‌اند که خدا آن را آفریده است. بدین ترتیب، تمامی بشر خویشاوند یکدیگرند و خانواده‌ی واحدی را تشکیل می‌دهند. دوم آنکه انسان‌ها نه تنها ریشه‌ی مشترکی دارند، بلکه غایت آن‌ها نیز یکسان است و تاریخ بشر به سوی خدا در حرکت است. سوم آنکه راز الهی نجات از طرق مختلفی در همه ادیان قرار دارد و چهارم آنکه حکمرانی خداوند فراگیر است چراکه ادیان در طرح نجات الهی مشارکت دارند. از این منظر گفت‌وگوی ادیان عملاً میان انسان‌هایی رخ می‌دهد که گرچه از دو یا چند سنت دینی متفاوت‌اند، اما مبدأ و مقصد یکسان، آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند؛ انسان‌هایی که در مسیر تحقق بخشیدن ملکوت خداوند در زمین با همدیگر تشریک‌مساعی می‌کنند و به جامعه‌ی واحدی تعلق دارند که حول محور راز نجات شکل گرفته است (ر.ک مقری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹). در ادامه به بررسی دیپلماسی دینی پرداخته می‌گردد.

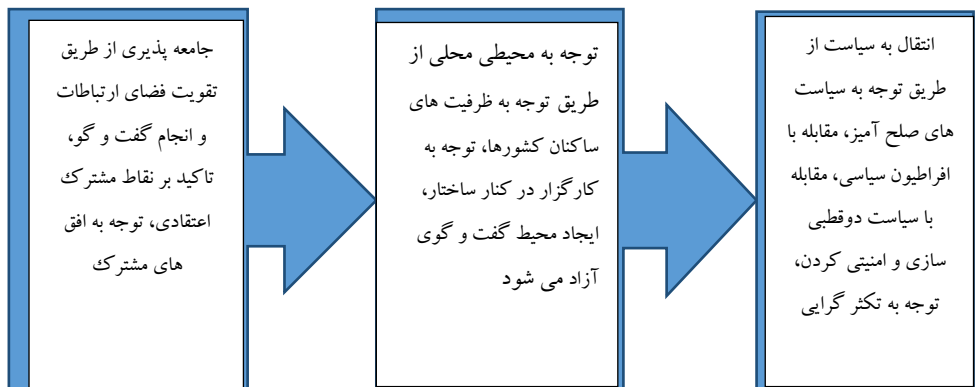
دیپلماسی دینی

دیپلماسی دینی متفاوت از دیپلماسی نوع اول، به صورت رسمی-دولتی، یکی از دیپلماسی مسیر دو، غیردولتی، است. به نظر می‌رسد از سه بعد مسئله قابل تبیین خواهد بود: بعد اول ارتباط رهبران دینی با یکدیگر و گسترش مفاهیم بین ادیان است؛ شاخص دوم انتقال مفاهیم صلح توسط رهبران به پیروان دینی و رفع سوءنیت‌ها و کاهش خشونت دینی و تنفر زدایی دینی است؛ شاخص سوم ارتباط رهبران دینی با سیاستمداران و دیپلمات‌ها برای تبدیل ایده‌ها به سیاست است. باید در نظر داشت از آنجا که دین عامل هویت‌بخش است تعارض هویتی نوعی تعارض است که مبتنی بر مصالح مادی نیست و به علاوه دیپلماسی مسیر دو، فرآیند مرحله‌ای است که شامل مجموعه‌ای از اقدامات شناخت و راه‌حل‌های

¹ Dupuis

مسئله است. این دیپلماسی به گونه‌ای طراحی شده است که افراد تأثیرگذار از جوامع مربوطه را که در تعارض هستند، اما نه تصمیم‌گیرندگان کلیدی، گرد هم بیاورند تا راه‌های جایگزین برای تعریف تعارض و نزاع را کشف کنند. هدف این است که ادراکات آن‌ها در مورد تعارض از مجموع صفر به برد-برد تبدیل شود. بدین ترتیب منجر به تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییر نگرش‌ها و برداشت‌ها خواهد شد. این تغییرات، فرآیندی است که به زمان و مقدار زیادی پشتکار و صبر نیز نیاز دارد. این دیپلماسی یک فرآیند سه مرحله‌ای است: الف: اولین مرحله بر جامعه‌پذیری دیپلمات‌ها با یک نگرش راهبردی تعامل‌گرایانه و معتقد به اهمیت دین و دیپلماسی دینی تمرکز دارد. در این مرحله از طریق گفت‌وگوهای مذهبی با یکدیگر، می‌توان به برطرف کردن سوء تفاهم‌ها و شفاف‌سازی مفروضات پرداخت: ب: مرحله دوم، حمایت جامع جهت تغییر سیاست بین‌نخبگان طرفین که نقش دیپلمات‌ها شکل‌دادن و تعریف مسئله به یک‌شکل جدید و قابل‌حل است. این مرحله شامل رسانه‌ها، مؤسسات سیاسی، مشاوران و کارمندان دولتی است که شرایط را برای مرحله سوم آماده می‌کنند. ج: آخرین مرحله، وجود یک سیاست‌گذار رسمی و دارای قدرت و نفوذ، جهت به فعلیت درآوردن سیاست از ایده به فعل است (جعفری فر و ساداتی نژاد، ۱۴۰۰: ۵۵-۵۴).

سه مرحله دیپلماسی مبتنی بر ایمان



بنابراین لازمه رسیدن ادیان به یک اتحاد و صلح پایدار که تأثیر آن بر صلح جهانی است ابتدا با گفت‌وگو و مشارکت ادیان برای رسیدن به یک‌راه و روش مشترک همراه است.

بررسی مراحل دیپلماسی ادیان

۱- جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری فرایندی است روانی- اجتماعی که بر پایه آن، تأثیر تحت فرد اساسی شخصیت بیان داشته که جامعه‌پذیری عبارت از فرایندی ۲ محیط مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی شکل می‌یابد. آنتونی اُروم است که توسط آن انسان‌ها چهارچوب اعتقادی، ارزشی و گرایش‌های موجود در جامعه را کسب می‌کنند. این تعریف توسط کاردینر چنین تکمیل گردید که فرایند جامعه‌پذیری وسیله رسیدن به توافق جمعی میان اعضای جامعه است که از طریق آن شیوه‌ها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی را فراگرفته و هر یک از اعضا دارای هویتی اساسی گردد. از این تعاریف معلوم می‌شود که جامعه‌پذیری در مفهوم عام دلالت بر فرایندی است که به انتقال و کسب ارزش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود (امیرپورسعید، ۱۳۹۹: ۵۷).

عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی عبارت‌اند از: خانواده، مدرسه، گروه‌های هم‌تا، محیط آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، حکومت و کارگزاری حزبی و درنهایت دین و نهادهای دینی. در خصوص مورد اخیر که مورد مطالعه این پژوهش است باید گفت ارزش‌ها و هنجارهای دینی در تمام اجزای جامعه رسوخ کرده و همواره آن‌ها را متأثر می‌سازد. افراد به جامعه فعال چهره عنوان از مستثنا تأثیر این نیستند. نشان مطالعات می‌دهد که پایین و بالا دینی تعهد دارای افراد بین در وجود تفاوت سیاسی رفتار دارد به معنی اینکه همواره دین نهاد مجموعۀ کسانی را که بیشتر دارند بالاتری دینی وابستگی متأثر سیاسی رفتار تأثیر این و کرده فرد را شامل نیز می‌شود. به‌طور کلی میزان التزام دینی همواره می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر شیوه‌پذیری جامعه

سیاسی فرد در نظر گرفته شود (همان: ۵۹). از همین رو برای گسترش جامعه‌پذیری دینی راهکارهایی چون طریق تقویت فضای ارتباطات و انجام گفت‌وگو، تأکید بر نقاط مشترک اعتقادی، توجه به افق‌های مشترک میسر در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه تشریح خواهد شد.

۱-۱ تقویت فضای ارتباطات و انجام گفت‌وگو

چالش اصلی دیپلماسی دینی، این است که باهدف از فضای ارتباطات در عصر حاضر برای مقابله با دروغ‌پراکنی، اغفال افراد و ایجاد سوء تفاهم و برداشت غلط سایرین باید اقدام کند. در این راستا، دیپلماسی دینی، گامی به‌سوی صلح‌سازی و نه ستیزه‌گرایی برای توسعه امنیت و صلح جهانی خواهد بود. بعلاوه، مزیت قابل توجه در اهتمام به دیپلماسی دینی، این است که ما با دایره‌ی وسیع‌تری از کنشگران فعال در این زمینه نسبت به گروه‌های بنیادگرای می‌توانیم بدون محدودیت‌های ابزاری، مالی و تخصصی اقدام کنیم. درهرحال، بنیادگرایان عمدتاً در قالب گروه‌ها و دسته‌هایی با عقاید غیرقابل منعطف قرار می‌گیرند درحالی‌که امروزه کشورهای مختلف جهان می‌توانند در فضای دیپلماسی دینی، در میدان وسیع‌تر وارد عرصه شوند. از همین رو کنشگران این دیپلماسی شامل دولت‌ها، افراد، گروه‌ها به‌صورت دو یا چندجانبه و سازمانی و با امکانات و ابزارهای وسیع و رسمی یا غیررسمی خواهد بود (همان: ۴۶)؛ بنابراین برای رسیدن به صلح جهانی لازم است که ادیان با یکدیگر گفت‌وگو کند و سعی در پیدا کردن نقاط مشترک خود کند و دور یک محور و هدف ثابت حلقه زند. قرآن کتاب آسمانی مسلمانان درآیات بسیاری به اتحاد بین ادیان الهی اشاره کرده و آنان را بر اساس محورهایی دعوت به همسویی کرده است. در خصوص ایمان به همه پیامبران و کتب آسمانی خداوند سبحان می‌فرماید:

«أَمَرَ الرَّسُولُ بِأَنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا تَقْرُبُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»^۱ پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و همه مؤمنان، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند ما در میان هیچ‌یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم و به همه ایمان داریم

همچنین در خصوص دعوت اهل کتاب به وحدت خداوند سبحان می‌فرماید:
 «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آذِينَ بَعْضًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»^۲ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به خدایی نپذیرد

در همه ادیان آسمانی و شرایع الهی، عمل صالح و پیروی بی‌چون‌وچرا از شریعت، معیار صدق ایمان و حقیقت عرفان است. حضرت عیسی (ع) نیز همواره پیروان خود را به اجرای احکام شریعت و رعایت قوانین و مقررات دینی سفارش نموده، به آن‌ها می‌فرمود: مپندارید که آمده‌ام تا شریعت یا کتاب‌های پیامبران را منسوخ کنم؛ نیامده‌ام تا منسوخ کنم؛ بلکه آمده‌ام تا کامل گردانم؛ چه به‌راستی شمارا می‌گویم که تا آسمان و زمین برنگذرد، نه حرف و نه نقطه روی حرفی از شریعت بر نخواهد گذشت تا بدان جا که همه محقق گردد. پس آن‌کس که از کوچک‌ترین این احکام یکی را زیر پا نهد و به دیگران بیاموزد که چنین کنند، در ملکوت آسمان‌ها کوچک‌ترین شمرده خواهد شد؛ و برعکس، آن‌کس که آن‌ها را به‌جای آورد و تعلیم دهد، در ملکوت آسمان‌ها بزرگ شمرده خواهد شد (انجیل متی، ۵: ۱۸-۱۷)

۱ قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۲ سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۲-۱ تأکید بر مبانی مشترک اعتقادی

یکی از ضروری‌ترین بخش‌هایی که در حوزه گفت و گو، مخصوصاً گفت و گوی ادیان باید مورد دقت و واری قرار گیرد مسئله زمینه مشترک است. در فرهنگ لغت وبستر، زمینه مشترک گونه تعریف شده است: "چیزی است که مردم در مورد آن توافق نظر دارند، ولو اینکه در موارد دیگری باهم اختلاف نظر داشته باشند". وجود حداقل معقولی از زمینه مشترک در دیدگاه‌ها، باورها و اعتقادات کسانی که برای انجام گفت و گو ورود پیدا می‌کنند، ضروری است؛ بنابراین، کسانی که هیچ‌گونه زمینه مشترکی باهم نداشته باشند، قاعدتاً نمی‌توانند باهم گفت و گویی انجام دهند. به عبارت دیگر، حوزه باورهای آنان چنان از هم متباین هست که هیچ‌گونه همپوشانی برای آن قابل تصور نیست و لذا از کمترین درک و اشتراک مساعی نسبت به یکدیگر عاجز خواهند بود (توسلی، ۱۳۹۵: ۶۷). همه ادیان الهی در اصل محورهای زیر مشترک هستند: ۱- اعتقاد به توحید و خداپرستی ۲- اعتقاد به معاد و عالم آخرت، یعنی در همه ادیان الهی، جهان و انسان سرانجام و غایتی دارد و تسلط بر جهان مادی برای رسیدن به تکامل معنوی مدنظر است ۳- در همه ادیان الهی، اعتقاد به تقدس وجود دارد، یعنی در هر دینی برخی از موارد مقدس شمرده می‌شوند. ۴- اعتقاد به غیب در همه ادیان الهی وجود دارد، یعنی چیزهایی در هستی وجود دارد که فراتر از اموری است که با حواس ظاهری (حواس پنج‌گانه) درک شود. ۵- همه ادیان الهی خصوصیات انسانی دارند و محور آن‌ها تربیت انسان است و تعالیم آن برای انسان و ویژگی‌های او آمده است. ۶. اعتقاد به نبوت و بعثت پیامبران، یعنی در ادیان الهی این مطلب آمده است که از سوی خداوند، جهت هدایت و تربیت انسان‌ها، انبیاء مبعوث شده‌اند. ۷- اعتقاد به منجی جهان و اعتقاد به موعود در همه ادیان به صورتی وجود دارد. ۸ - نظام ارزش‌ها و اخلاق. یکی از اصول بسیار مهمی که در همه ادیان الهی بدان سفارش شده است ارزش‌های اخلاقی است، از جمله: الف. تهذیب جامعه ب. رسیدگی به مستمندان ج. عدالت و برابری (Pasokhgoo, 1397). علاوه بر آنکه سه دین توحیدی یهودیت،

مسیحیت و اسلام عقاید مشترکی درباره خدا، خلقت، وحی و معاد و منجی دارند و نیز صاحب کتاب آسمانی‌اند همچنین مواردی چون احترام به همه انسان‌ها (ابراهیمی، ۱۶:۱۳۹۱) قابل ذکر است. در این راستا رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان، احترام به تفاوت‌ها و رابطه‌ای بر پایه همیاری، آشنایی و عدالت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: " يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ" ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (سوره ۴۹: الحجرات، آیه ۹).

۳-۱ توجه به افق‌های مشترک (اعتقاد به موعود)

اعتقاد به موعود، در همه ادیان مطرح بوده و عقیده مشترک همه آن‌ها به شمار می‌آید؛ و هر دین و مکتبی به تناسب فرهنگ دینی و ملی خود از موعود آخرین به نامی یاد کرده است. تحقق حتمی اراده الهی، دینی بودن حکومت منجی، پیروزی نهایی جبهه حق بر باطل، نجات بخشی به وسیله یک انسان الهی که متصل به منبع وحی است، از نقاط اشتراک و شباهت منجی ادیان است. افق روشن دنیا پس از ظهور نیز از دیگر نقطه اشتراکات منجی در ادیان است و همه ادیان یک دوران طلایی، آرمان شهر و مدینه فاضله را وعده داده‌اند اینکه بعد از یک دوران سیاه و تاریک که زمین پر از ظلم و ستم می‌شود منجی می‌آید و امنیت، رفاه، آسایش، عدالت را برای بشریت به ارمغان می‌آورد در همه ادیان مشترک است. بر این اساس، کتب دینی یهود ظهور رهبری بزرگ به نام «مسیح یا مسیح» در آخرالزمان را نوید داده‌اند.

آیین مسیحیت نیز آمدن دوباره حضرت عیسی (ع) به دنیا و برپایی حکومت جهانی به دست او را خبر داده است. اما اندیشه مهدویت و ظهور موعود جهانی در آیین آسمانی اسلام، جایگاه و جلوه بیشتری دارد و باوجود دلایل معتبر از آیات و روایت متواتر و

قطعی، همه مذاهب اسلامی بر ظهور «مهدی موعود» از نسل فاطمه زهرا (س) اتفاق نظر دارند. در این میان، مهدی موعود در مذهب شیعه، هم به دلیل جایگاه اعتقادی آن و هم به دلیل دارا بودن شناسنامه روشن و پرداختن به جزئیات زندگی و چگونگی ظهورش، از اهمیت، قطعیت و شفافیت بیشتری برخوردار است. موضوع «موعود» در همه ادیان به نوعی مطرح شده و به طور اجمال مورد پذیرش همه آنها است. مسئله موعود در گذر زمان نه تنها رنگ نمی‌بازد، بلکه هر چه به جلو می‌آییم به طور جدی تر و پررنگ تر مطرح می‌شود و به عنوان یک اندیشه و باور ضروری و غیرقابل انکار جلوه‌گر شده، جایگاه پیدا می‌کند. در مسیحیت به پیش‌بینی ظهور دوباره عیسی برای بازگرداندن و گسترش صلح و درستی بر روی زمین است. این باور یا اعتقاد بر پایه مبحث نبوت در انجیل‌های شرعی است و بخشی از فرجام‌شناسی یا معادشناسی مسیحی است.^۱ همچنین یهودیان اعتقاد به ظهور منجی در آخرالزمان دارند اعتقاد بر این است که یک نجات‌دهنده از قوم یهود و از نسل حضرت داوود ظهور خواهد کرد و نجات‌دهنده قوم یهود از ظلم و ستم در آخرالزمان است. اعتقاد به ظهور منجی یکی از ملزومات اساسی دین یهود است و درباره آن نوشته‌اند: «هر که به او ایمان نداشته باشد یا منتظر ظهور او نباشد سایر پیامبران را انکار نکرده است، بلکه تورات، موسی و خاخام ما را نیز انکار کرده است».^۲ در اسلام و به باور شیعیان دوازدهمین و آخرین امام شیعیان امامی است که دوره امامتش پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ قمری آغاز شد و تا پس از ظهور او در آخرالزمان ادامه خواهد داشت. به باور شیعیان، او همان مهدی موعود است که پس از دوره طولانی غیبت، ظهور خواهد کرد. به اعتقاد شیعیان، حجت بن الحسن (عج) در آخرالزمان ظهور می‌کند و به همراه یارانش حکومتی جهانی برپا می‌سازد و دنیا را که پر از ظلم و ستم شده است، آکنده از عدل و داد می‌نماید. در روایات اسلامی، توصیه

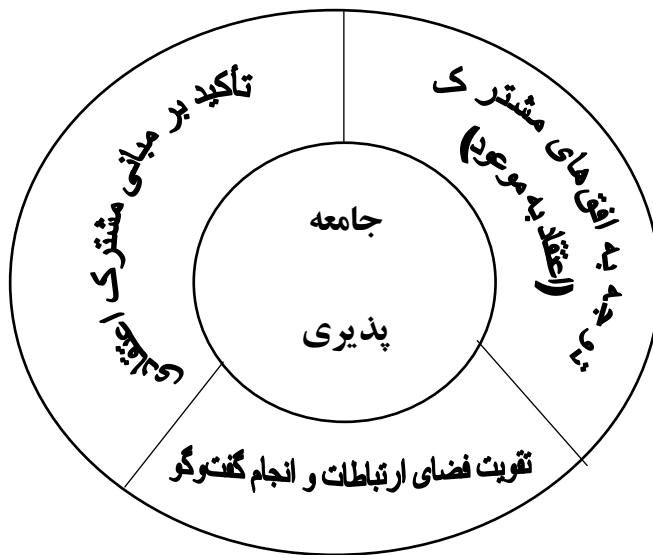
^۱ باب چهل و سه: نشانه‌های ظهور صص ۲۵۶-۲۵۱

^۲ مسیح ابن میمون، تورات

مسلمانان به انتظار فرج مورد تأکید فراوان قرار گرفته و شیعیان این روایات را به معنای انتظار ظهور امام زمان می‌دانند. اهل سنت با استناد به منابع روایی خود، مهدی را منجی آخرالزمان می‌دانند و او را از نسل پیامبر (ص) تلقی می‌کنند، اما با این حال بسیاری از آنها معتقدند که او در آخرالزمان متولد خواهد شد. در این میان برخی از علمای اهل سنت همچون سبط بن جوزی و ابن طلحه شافعی، همانند شیعیان معتقدند مهدی موعود همان فرزند امام حسن عسکری است.»

اعتقاد مشترک به ظهور حضرت مسیح در آخرالزمان را می‌توان با یک گفت‌وگو مفید به ارزش‌ها و باورهای مشترک دیگر رساند باورهایی که زمینه‌ساز صلح پایدار میان پیروان این دو مذهب باشد پس ادیان می‌تواند در سایه ظهور منجی به یک‌راه و هدف مشترک دست یابند. ادیان همواره با جملات و روش‌های واحدی از ویژگی‌های عصر انتظار یاد کرده‌اند؛ و انسان ناامید و افسرده از تاریکی و ظلمت آخرالزمان را به نور و روشنایی ظهور منجی بشارت می‌دهند انسان خسته از مدرنیته و زندگی صنعتی هموار به دنبال ساحل آرام مدینه فاضل خود می‌گردد و این همان بشارتی است که دین با صحبت درباره موعودگرایی همواره به آن می‌پردازد سبب این همسانی این است که در همه دوران و برای همه مردم، ستم، کینه و جنایت ناپسند بوده است. از این رو، انتظار جامعه‌ای بدون ظلم و تصور جامعه آرمانی از گذشته‌های دور تاکنون اندیشه بسیاری از دانشمندان و محققان بوده است. به گونه‌ای که هر یک از آنان طرحی جداگانه برای ایجاد جامعه آرمانی تدوین نموده است. طرح این گونه مسائل از سوی دانشمندان گوناگون و ریشه‌یابی آن در ادیان مختلف مانند یهود، مسیحیت و اسلام و حتی نشانه این است که زندگی در یک جامعه آرمانی خالی از ظلم و ستم ریشه در نهاد بشریت دارد؛ اما آنچه تمام این طرح‌ها را غیرعملی نموده، این است که آنها واقع‌بینانه و همراه با ارائه روشن نیستند، بلکه فقط یک جامعه آرمانی را به تصویر کشیده‌اند نه راه و روش رسیدن به آن را. همچنین هدف‌هایی برای این طرح‌ها تعیین نشده است تا بدان وسیله اراده و شور و خواست مردم را برانگیزد و آنان را

به تغییر اوضاع و احوال موجود مایل گرداند؛ اما مباحث مربوط به موعود و ویژگی‌های عصر حکومت الهی به دست منجی همان هدفی است که ادیان در سایه آن می‌توانند اختلافات خود را کنار بگذارند و یک‌بار برای همیشه پرچم صلح میان ادیان و بشریت برافراشته کند مسیح در کنار مهدی ظهور خواهد کرد و این نقطه مشترکی است که نباید به‌سادگی از کنار آن عبور کرد گفت‌وگو ادیان می‌تواند حول همین محور شکل بگیرد و با ادامه همین روند به اتحادی پایدار دست‌یافت طرح گفت‌وگو ادیان می‌تواند زمینه‌ساز تشکیل یک حکومت نامرئی بدون مرز قبل ظهور منجی و تشکیل حکومت الهی باشد. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت گفت‌وگو ادیان لازمه رسیدن به صلح جهانی است و نقطه شروع این گفت‌وگو از مباحث مربوط به منجی در آخرالزمان باشد جای که تمامی ادیان در کتب دینی خود بر آن تأکید دارند.



منبع: نگارنده

۲- توجه به ظرفیت‌های محیطی

توجه به محیطی محلی حداقل از طریق توجه به ظرفیت‌های ساکنان کشورها، توجه به کارگزار در کنار ساختار، ایجاد محیط گفت‌وگوی آزاد قابل بررسی است.

۲-۱ توجه به ظرفیت‌های ساکنان کشورها

سابقه پذیرش مهاجر در اتحادیه اروپا به زمان مستعمرات سابق خود بازمی‌گردد اما این اتحادیه در سال‌های اخیر نیز به دو شکل با پدیده مهاجرت روبرو بوده است. نخست، اتحادیه اروپا، میزبان پناهجویان کشورهای اروپایی و غیراروپایی است که دستخوش آشوب‌های داخلی‌اند. از سوی دیگر جوامع مسیحی نیز پذیرای نخبگان و مهاجران از سرزمین‌های دیگر از جمله اسلامی هستند. از سوی دیگر در کشورهای اسلامی نیز قدمت حضور اقوام و ادیان متفاوت نیز وجود دارد. این مسائل زمینه‌های گسترش ارتباطات بین ادیان را می‌تواند فراهم بسازد؛ بنابراین توجه به محیط به معنای این است که ساکنان جوامع از ادیان دیگر باشند. جوامع سیستم‌های درهم‌تنیده‌ای هستند که ساختارهای اجتماعی بسیار متنوعی را در خود جای داده‌اند مانند صورت‌های مختلف دولت، سیستم‌های اقتصادی و شبکه حمل‌ونقل بنابراین از خصیصه‌های مهم جوامع مثل فرهنگ نیز می‌توانند دستخوش تغییراتی در جهت گسترش درک و مفاهمه بشوند.

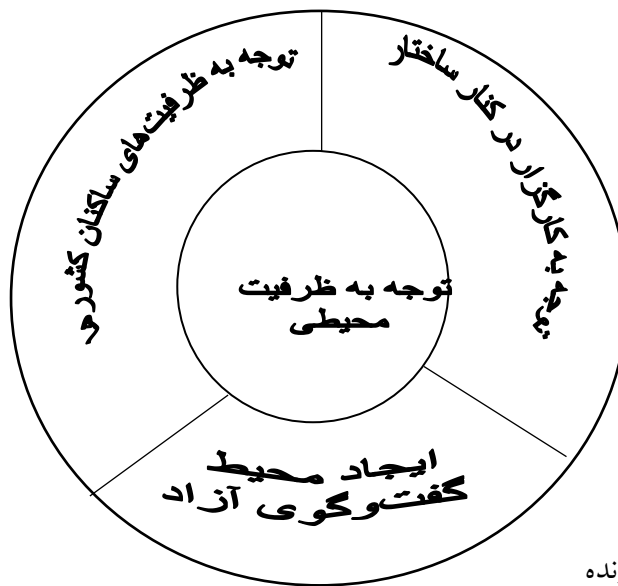
۲-۲ توجه به کارگزار در کنار ساختار

به تعبیرگیدنز عوامل انسانی هرچند در چارچوب ساختارها و تاندازه‌ای تحت الزام قواعد ساختاری عمل می‌کنند، اما در تغییر، تکمیل و حتی ساخت ساختارهای نو می‌توانند نقش داشته باشند. درواقع، بر اساس این نظریه، میان ساختارها و عوامل انسانی رابطه متقابل و دیالکتیکی برقرار است. به اعتقاد گیدنز ساختار و عاملیت در عملکرد جاری اجتماعی هیچ‌گونه جدایی از هم ندارند و این دو درواقع دو بعد

تفکیک‌ناپذیر واقعیت اجتماعی را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین توجه به محیط توجه به نقش و عاملیت افراد در محیط سازی نیز است ازاین‌رو در گسترش زمینه‌های مفاهمه می‌توان بیان داشت که این اقدام می‌تواند به شکل‌گیری محیط جدید نیز کمک کند.

۲-۳ ایجاد محیط گفت‌وگوی آزاد

در نگاه هابرماس، گفتگوی آزاد می‌تواند تقویت‌کننده دینی باشد که در پی اقلان عقلانی مخاطب خویش است. به تعبیر خود هابرماس: مدارای دینی به معنای بی‌تفاوتی نسبت به مقدمات هویت شخصی و جمعی نیست؛ اما لازمه مدارای دینی آن است که مراجع حکومتی نیز به‌اندازه شهروندان از شیوه‌های خشونت‌آمیز برای حفظ و گسترش نگرش دینی، هرچند هم که آن نگرش محترم و مقدس باشد، استفاده نکنند. تمام ادیان بزرگ جهانی در صورتی به حیات خود ادامه می‌دهند که همچنان از نیروی غیر خشن، قصص نافذ، انگاره‌های پر قدرت، تبیین‌های متقاعدکننده و براهین کلامی بهره‌جویند (علی پور و شجاع، ۱۳۹۹: ۲۰۹).



منبع: نگارنده

۳- انتقال به سیاست

برای بعد دیپلماسی ادیان و حوزه انتقال به سیاست لازم است که نسبت به برخی مسائل روشی نیز اشتراکات بین ادیان مورد توجه قرار بگیرد. در ادامه به این ابعاد پرداخته خواهد شد:

۱-۳ توجه به سیاست‌های صلح‌آمیز

افراط‌گرایی با خلق حادثه یازدهم سپتامبر و تحولات پس‌از آن باعث شد تا دوقطبی سازی جهان به دو محور خیر و شر مبنای دستور کار مبارزه با تروریسم قرار بگیرد، اما دستور کار مبارزه با تروریسم فراتر از راهبردی امنیتی در سطح سیاست بین‌الملل اساساً به گفتمانی تبدیل شد که بر اساس آن رویه‌های بین‌المللی در حوزه هویتی و هنجارهای تعاملی بین بازیگران را تحت الشعاع خود قرار داده است. در سطح نخست، تشدید رقابت و منازعه در سطوح ملی در کشورهایی مانند عراق، سوریه، سومالی و یمن نشان می‌دهد که افراط‌گرایی سلفی و همچنین برخی شورش‌های ناشی از گروه‌های هویت‌گرا، که باعث بروز آشوب منطقه‌ای می‌شوند، در تقابل و ستیزش با الگوی حاکم دولت‌محوری نظام بین‌الملل قرار دارند. در سطح دوم، تشدید تنازع گفتمانی بین «اسلام‌گرایی» به طور کل و «لیبرالیسم» از ویژگی‌های فرهنگی نظام بین‌الملل است که به قطب‌بندی در ساختار مادی نظام بین‌الملل بین مجموعه امنیتی غرب به منزله جریان موافق وضع موجود با جریان افراط‌گرایی به مثابه چالشی در برابر نظم مستقر منجر می‌شود؛ اما فراتر از این مسئله و در سطح سوم، اصولاً با امنیتی شدن اسلام، نوعی جنگ فرهنگی بین اسلام و غرب را نیز می‌توان مشاهده کرد (آدمی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۰). این در حالی است که نه تنها اسلام بلکه همه ادیان آسمانی و پیامبران الهی مروج توحید و منجی بشریت و منادی صلح، امنیت و رفتار محبت‌آمیز نسبت به پیروان دیگر ادیان و مذاهب می‌باشند؛ ولی پیروان ادیان باگذشت زمان و در اثر دوری از رهبری اولیای خدا، به تدریج انحرافات را پذیرا شده و

گاه تحت تأثیر ملل دیگر، منکر و مانع ارتباط با پیروان دیگر ادیان و مذاهب شدند؛ چنان‌که پیروان دینی گاه به نژادپرستی و برتری نژاد رو آورده و در این راستا جنگ‌های بسیاری به راه انداختند و انسان‌های فراوانی را به قتل رساندند؛ بنابراین دیپلماسی دینی و نهادهای مذهبی می‌توانند در حفظ صلح و برقراری نظم جهانی نقش میانجی گرایانه داشته باشند. آن‌ها می‌توانند پایمردی را مبذول داشته تا طرفین اختلاف را به دورهم جمع کنند یا به‌طور مستقیم در اختلافات بین‌المللی میانجیگری کنند، البته این نقش همیشه به‌طور مسالمت‌آمیز پایان نیافته است (Isna, 1396). نظریه اسلام درباره مکانیسم تأمین صلح پایدار بر طرحی سه مرحله‌ای استوار است: ۱- طرح نخستین، همان ارتباطات بین‌المللی و بهره‌گیری از قواعد حقوقی با شرایط استقرار عادلانه در روابط ملت‌هاست. اسلام در این مرحله که معمولاً ملت‌ها و دولت‌ها همراه است، پیروی از نظام حقوقی بین‌الملل مبتنی بر عرف و قراردادهای بین‌المللی را لازم می‌شمارد و از مشارکت فعال ملت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی بر اساس اصل برابری، حق و عدالت و احترام متقابل استقبال می‌کند. ۲- اسلام با بهره‌گیری از دو راهبرد «دعوت» و «جهاد» برای آگاه‌سازی و رهایی بخشی ملت‌ها و از میان بردن استکبار و آثار آن در مرحله دوم از تز تشکیل حکومت جهانی واحد و تأسیس یک‌نهاد حقوقی و حقوق اساسی بین‌المللی دفاع می‌کند. ۳- در مرحله سوم، در روند حرکت به‌سوی همگونی در فکر، عقیده و آرمان، با ادامه راهبرد دعوت و جهاد، درنهایت زمینه برای اجرای طرح جامعه واحد جهانی و تشکیل امت همگون و امامت شایسته فراهم می‌شود. این طرح آرمانی اسلام در درازمدت جامه عمل به خود می‌پوشد (نجات پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۸).

۲-۳ مقابله با افراطیون سیاسی

اهمیت دیپلماسی ادیان بر نفی قرائت اشتباه از دین است. برای مثال در حمله تروریستی بر یک کلیسای کاتولیک در شمال فرانسه، انزجار و بهت زیادی را برانگیخت. پاپ فرانسیسکوس حتی با توجه به سایر حملات تروریستی اخیر توسط مسلمانان افراطی، در

قبال رد بنیادی اسلام هشدار می‌دهد. رهبر کلیسای کاتولیک به هنگام پروازش از کراکوف به روم که به مناسبت روز جهانی جوانان به آنجا آمده بود گفت: «این درست و برحق نیست که اسلام یک دین خشونت‌بار معرفی شود.» به گفته او، همه مسلمانان خشونت‌گرا نیستند و تقریباً در همه ادیان یک گروه کوچک افراطی‌ها وجود دارند (P.dw, 2016). این در حالی است که امنیت طلبی شهروندان و تلاش احزاب راست برای بزرگ‌نمایی خطر مهاجران بر روی مسلمانان این کشور، اثرات اجتماعی مختلفی داشته است. به‌طور کلی، حادثه ۱۱ سپتامبر و بحران امنیتی ایجادشده در اروپا به دلیل حوادث تروریستی باعث شد تا احزاب راست سعی کنند تا مسلمانان را متهم به تروریست بودن یا حامی تروریست‌ها کنند و مهاجران مسلمان به خاطر همین تبلیغات تحت فشار قرار گرفتند. به دنبال تصویب قوانین مختلف در جهت مبارزه با تروریسم، سخت‌گیری نیروهای امنیتی در خصوص مسلمانان افزایش یافته است. در برخورد نیروهای امنیتی برای جستجوی افراد مظنون به اعمال تروریستی، در بیشتر موارد مسلمانان مورد اتهام قرار می‌گیرند و این موجب دستگیری‌های گسترده در میان مسلمانان می‌شود؛ درحالی که اغلب پس از بازپرسی، مشخص می‌شود که بیشتر افراد دستگیرشده، بی‌گناه هستند و به‌اشتباه در مظان اتهام قرار گرفته‌اند؛ افزون بر تعداد دستگیری‌ها، مدت‌زمان دستگیری افراد نیز افزایش داشته است (جعفری فر و مجیدی، ۱۶:۱۳۹۷). در یک و نیم دهه آغازین قرن بیست و یکم صحنه سیاسی و افکار عمومی در اروپا دچار تحولاتی شده است که پس از جنگ جهانی دوم، یک تعبیر شوک‌آور و هراسناک دیگر به نظر می‌رسد. این تحول چیزی نیست جز دوباره جان گرفتن ناسیونالیسم افراطی و گرایش‌های نژادباورانه همراه با بیگانه‌ستیزی و نفرت پراکنی بر ضد مهاجران و خارجی‌های بیرون از اروپا است. هدف اصلی احزاب راست افراطی در برنامه‌های تبلیغاتی‌شان خود بیگانه‌ستیزی و به‌ویژه احساس خطر از سوی مسلمانان است. در بعد هویتی آن‌ها نمادها و مراسم مذهبی را به‌نوعی مبلغ دین اسلام می‌دانند از آنجایی که از نگاه راست افراطی، مسلمانان اروپا حاضر نیستند به

خاطر ارزش‌های غربی، ارزش‌های دینی خود را کنار بگذارند پس به مخالفت با حضور مسلمانان در کشور خود دامن می‌زنند. گستره‌ی دامنه مخالف به آنجایی می‌رسد که هرگونه تحول در اروپا چون پذیرش عضویت جدید چون ترکیه با واکنش سریع آن‌ها مواجه می‌شود (دهشیری و جعفری فر، ۱۳۹۷: ۹۵). ترویج نفرت و خشونت نژادی از مهم‌ترین کارکردهای اتاق‌های فکر کشورهای امریکا و انگلیس در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی است. این امر سبب شده تا این اتاق‌های فکر با احزاب راست افراطی در یک سو گام بردارند و زمینه تبعیض و جرائم نژادپرستانه ضد مسلمانان را تقویت کنند. «دیوید میلر» که با همکاری «تام میلز» و «تام گریفین» گزارش جامعی با عنوان «جنگ سرد ضد مسلمانان در بریتانیا» را تهیه کرده، اعتقاد دارد: اتاق‌های محافظه‌کار، حلقه اتصال افزایش اسلام‌هراسی هستند. آن‌ها با بی‌اهمیت جلوه دادن میزان و وجود نژادپرستی، کانون توجهات را به مسلمانان سیاسی متمرکز کرده و آن‌ها را به‌عنوان مشکل اصلی جامعه انگلستان تلقی می‌نمایند (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

۳-۳ مقابله با سیاست دوقطبی سازی و امنیتی کردن

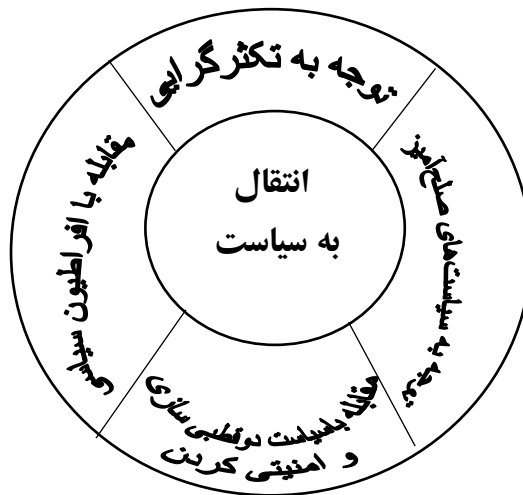
به وجود آمدن فضای تعامل بین ادیان نتایج مختلفی را در درون خود خواهد داشت. کمرنگ شدن تعصبات، کاهش پیش‌داوری‌ها، جزمیت و خرافه‌پرستی، تماماً از نتایج بعدی شکل‌گیری این فضا هستند. به این صورت که پرسشگری که این فضا در بین ادیان گوناگون به وجود می‌آورد آن‌ها را وادار به پاسخگویی و ارائه استدلال خواهد کرد که نتیجه این پرسش و پاسخ علاوه بر ارتقای جایگاه ادیان، کاهش اختلافات خواهد بود. در چنین شرایطی از دین به‌عنوان وسیله‌ای برای رساندن جامعه بشری به سعادت یاد می‌شود تا به‌عنوان هدف که در این صورت تمامی انسان‌ها ازلحاظ حرکت در مسیر سعادت، یکسان تلقی می‌شوند (شیرخانی، ۱۳۹۵: ۱۱۴)؛ بنابراین از سیاست‌هایی که می‌توان در این راستا بیان داشت مقابله با دوقطبی سازی و امنیتی سازی ادیان و پیروان آن‌ها است. تأثیرگذاری دیپلماسی ادیان در شرایطی که تلاش شود تا با گسترش زمینه‌های مفاهیم از قطبی‌سازی

جلوگیری شود بسیار حائز اهمیت است. تولید «غیر» یا «دشمن» برای ایجاد مرز میان گفتمان‌ها اهمیت زیادی دارد؛ اساساً در دال‌ها و شکل‌گیری گفتمان، وجود غیر و دیگری گفتمان به دلیل ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن پیدا می‌کند، اهمیت می‌یابد مثلاً در گفتمان راست افراطی، مهاجرین به‌ویژه مسلمانان اصلی‌ترین «دگرها» و دفع «غیر» مهم‌ترین هدف محسوب می‌شود. برخی محققین به این احساسات ضد مهاجرت و ضد اسلامی نژادپرستی فرهنگی نام نهاده‌اند و معتقدند که مسلمان هراسی در قالب نژادپرستی فرهنگی شکل جدیدی در اروپا به خود گرفته است. در واقع احزاب راست افراطی با استثنا گرایی و جدایی خود از دیگران، ادغام مسلمانان را در جامعه اروپایی سخت‌تر کرده و زمینه جدایی آن‌ها را از هویت اروپایی و انسجام در مسیر هویت اسلامی را فراهم می‌کنند. شکست پروژه ادغام مسلمانان در جوامع اروپایی، می‌تواند حتی برخی از آن‌ها را در برابر ایدئولوژی‌های جهادی آسیب‌پذیرتر کرده و آن‌ها را به سمت رادیکالیسم هدایت کند (محمد نیا و علی پور گرجی، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

۴-۳ توجه به تکثرگرایی

در کشورهای غربی به‌ویژه کشورهای اروپای غربی در دوران پس از جنگ جهانی دوم در مواجهه با سبیل مهاجرانی که با اهداف مختلف و عمدتاً به‌عنوان نیروی کار به این کشورها می‌آمدند، چند فرهنگی گرایی به‌عنوان یک واقعیت ایجاد شد. در اروپا مفهوم چند فرهنگی گرایی را معمولاً در دو سطح مختلف تحلیل می‌کنند. سطح تحلیل چند فرهنگ گرایی در سطح زندگی روزانه؛ و دیگر سطح تحلیل در سطح افکار عمومی و نهادهای سیاست‌گذار که شامل مجلس‌ها، شهرداری‌ها و سیاست‌گذاری عمومی است. در این مفهوم، موضوع کانونی چند فرهنگ گرایی، مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن و مسئله تنوع و تکثر فرهنگی - هویتی و نسبت آن با هویت جامعه و انسجام ملی، حقوق اقلیت‌ها و سیاست‌گذاری عمومی است. گرچه به دلایل تاریخی و اجتماعی سیاست چند فرهنگ گرایی نقش پیشسازی ایفا کرده است، اما برخی از کشورهای اروپای غربی به‌خصوص پس

از جنگ جهانی دوم به تنوع فرهنگی و همبستگی خود توجه نشان داده‌اند. این موضوع پس از ۱۱ سپتامبر به سبب گروه‌های مهاجر ناسازگار با فرهنگ کشورهای میزبان، دغدغه اصلی بسیاری از اندیشمندان سیاسی و سیاستمداران شده است (صباغیان، ۱۳۹۴: ۹-۸). دیپلماسی ادیان نقش مهمی در این زمینه می‌تواند ایفا کند چراکه داده‌های استخراج شده از مؤسسات تحقیقاتی چون پیو^۱ نشان می‌دهد که دست کم ۸۴٪ از جمعیت جهان با یک گروه مذهبی شناسایی می‌شوند. اسلام سریع‌ترین دین در حال رشد در جهان است و انتظار می‌رود بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۶۰، جمعیت جهان ۳۲ درصد افزایش یابد، اما پیش‌بینی می‌شود که جمعیت مسلمانان ۷۰ درصد افزایش یابد. مسیحیان نیز با پیش‌بینی افزایش ۳۴ درصدی که عمدتاً به لطف رشد جمعیت در جنوب صحرای آفریقا است به هر حال احتمالاً جایگاه اول خود را در فهرست جهانی ادیان به اسلام واگذار خواهند کرد (Sherwood, 2018). از این نظر توجه به کثرت‌گرایی به سبب مهاجرت، رشد جمعیت، عصر جهانی شدن و ارتباطات مهم است.



منبع: نگارنده

¹ pew

نتیجه

ادیان نقش مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع داشته‌اند. آنچه در هستی‌شناسی ادیان باید بیان داشت این است که همه آن‌ها روح واحد و وحدت ذاتی و در فرم و شکل ظاهری اختلاف دارند. گفت‌وگوی ادیان مبتنی بر این باور است که نوع بشر از منشأ یکسانی برخوردار است و انسان‌ها مخلوق خدا هستند. بدین ترتیب، تمامی بشر خویشاوند یکدیگرند و خانواده‌ی واحدی را تشکیل می‌دهند. به‌علاوه غایت انسان‌ها نیز یکسان است و تاریخ بشر به‌سوی خدا در حرکت است. از همین رو وجود اختلافات در پیروان به اصل ذات دین اثر نمی‌گذارد. باید گفت امروزه گفت‌وگوی ادیان به‌عنوان یکی از روش‌های صلح‌سازی و برقراری امنیت در کنار سایر روش‌هایی است که توسط سیاستمداران بکار گرفته شده است. در این میان جهت گفت‌وگوی ادیان سه فرآیند در نظر گرفته شد. مرحله نخست جامعه‌پذیری است که موجب می‌شود تا انسان‌ها با تفاوت اعتقادی بتوانند همدیگر را در یک فضای مناسب ارتباطی درک کنند. برای این منظور جامعه‌پذیری از طریق تقویت فضای ارتباطات و انجام گفت‌وگو، تأکید بر نقاط مشترک اعتقادی و توجه به افق‌های مشترک می‌تواند انجام پذیرد. در مرحله دوم باید توجه به محیطی انجام شود چراکه محیط می‌تواند بسترهای مناسبی را جهت ارتباطات فراهم سازد. برای مثال در جوامع مهاجرپذیر این امر به سبب حضور مهاجران در دیگر کشورها می‌تواند فرصت مناسبی برای برقراری ارتباط را فراهم سازد. دکل توجه محیطی از طریق توجه به ظرفیت‌های ساکنان کشورها، توجه به کارگزار در کنار ساختار، ایجاد محیط گفت‌وگوی آزاد صورت می‌گیرد. در مرحله سوم که مرحله انتقال به سیاست است گفت‌وگوی ادیان می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سیاست‌ها تأثیرگذار باشد. این امر به سبب ارتباطات و فشار افکار عمومی می‌تواند رخ دهد. از همین رو، در بعد انتقال به سیاست می‌توان به گسترش سیاست‌های صلح‌آمیز، مقابله با افراطیون سیاسی، مقابله باسیاست دوقطبی‌سازی و امنیتی کردن، توجه به تکثرگرایی توجه کرد.

منابع

- ابراهیمی، شهروز؛ ستوده، علی اصغر؛ شیخون، احسان (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام زمستان ۱۳۹۱، سال اول - شماره ۴، صص ۲۸-۱
- آجیلی، هادی؛ قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۴)، نقش اتاق‌های فکر ایالات متحده و انگلستان در ترویج راهبرد اسلام هراسی (رویکرد تحلیل گفتمان)، نشریه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۶، صص ۱۵۴-۱۲۵
- آدمی، علی؛ مرادی، عبدالله (۱۳۹۶)، سازه‌انگاری خشونت مداوم و قوام متقابل بین نظام بین‌الملل و افراط‌گرایی سلفی، مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۸-۱
- توسلی، حسن (۱۳۹۵)، تأملی بر امکان گفت‌وگوی بین‌الادیانی بر اساس نسخه سنت‌گرایی (با تأکید بر قرائت سید حسین نصر)، نشریه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره ۴، صص ۷۰-۵۷
- جعفری فر، احسان؛ مجیدی، محمدرضا (۱۳۹۷)، حران امنیتی در غرب آسیا و قدرت‌یابی احزاب راست افراطی اروپایی، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی پاییز، شماره ۳، اول سال ۱۳۹۷، صص ۳۴-۱
- دهشیری، محمدرضا؛ جعفری فر، احسان (۱۳۹۷)، مخالفت حزب آزادی اتریش با کشور ترکیه (۲۰۱۶-۲۰۰۸)، فصلنامه راهبرد سیاسی، شماره ۶، صص ۹۸-۷۹
- رضایی، غلامرضا (۱۳۹۷)، تعدد و وحدت ادیان از منظر شهید مطهری و سنت‌گرایان، نشریه مطالعات فلسفی کلامی، شماره ۱۴، صص ۹۵-۷۵
- شیرخانی، دکتر علی (۱۳۹۵)، زندگی دین‌مدارانه در عصر جهانی‌شدن، نشریه مطالعات سیاسی، شماره ۳۳، صص ۱۳۸-۱۰۵
- صباغیان، علی (۱۳۹۴)، شکست چند فرهنگ‌گرایی در اروپا و پیامدهای آن برای مسلمانان ساکن کشورهای این قاره، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۳، صص ۲۰-۱
- علی پور، عباس؛ شجاع، مهدی (۱۳۹۹)، دمکراسی و جهانی‌شدن در اندیشه یورگن هابرماس، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۲۲۲-۱۹۹

قنبر لو، عبدالله (۱۳۹۵)، دین و صلح بین‌المللی: با اشاره به نقش هنجارهای اسلامی در صلح

بین‌المللی، نشریه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۰، صص ۵۴-۲۹.

محمد نیا، مهدی؛ علی پور گرجی، محمود (۱۴۰۰)، خیزش مجدد گفتمان راست افراطی در اروپا

و تقابل با مسلمانان در عصر بیداری اسلامی، نشریه مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۲۲،

صص ۱۶۵-۱۳۹

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، ختم نبوت، ج ۱۶، قم: صدر.

مقری، احمد؛ صادق نیا، مهرباب؛ صالحی، مهدی (۱۳۹۴)، گفت‌وگوی ادیان و مسئله «دیگری

دینی» در الهیات ناظر به ادیان، نشریه الهیات تطبیقی، شماره ۱۳، صص ۱۰۴-۸۹

نجات پور، مجید؛ جعفری، علی؛ ستوده، علی اصغر؛ زرین کاویانی، بهروز (۱۳۹۲)، رویکرد اسلام

به جایگاه جنگ و صلح در نظام بین‌الملل در مقایسه با رئالیسم و لیبرالیسم، نشریه آفاق

امنیت، شماره ۱۸، صص ۱۲۴-۹۷.

هادیان، ناصر؛ شوری، محمود (۱۳۹۰)، دانش روابط بین‌الملل و مسئله بازگشت به دین، فصلنامه

روابط خارجی، دوره ۹، شماره ۲، شهریور ۱۳۹۶، صص ۳۸-۷

الملل از منظر ادیان ابراهیمی صلح در روابط بین. *isna*. (1396, 30 اردیبهشت

<https://www.isna.ir/news/96023019318>

:پاپ از یکی دانستن اسلام و خشونت هشدار داد (01 08 2016). P.dw.

<https://p.dw.com/p/1JZVh>

Sherwood, H. (2018, Aug 27). Retrieved from Religion: why faith is becoming more and more popular:

<https://www.theguardian.com/news/2018/aug/27/religion-why-is-faith-growing-and-what-happens-next>